

ین

افسانه های

فدروس

مترجم: بیروز: بدفتري

www.ketab.ir

سرشناسه	:	رایلی، تامس، ۱۹۴۱-۲۰۰۹ م
		Reilly, Thomas
عنوان و نام پدیدآور	:	افسانه‌های قدروس (حکایت‌های تمثیلی)
مشخصات نشر	:	تهران، سمیر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۱۵۲ ص.
شابک	:	978-964-2202-05-8
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیبای مختصر
یادداشت	:	فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
یادداشت	:	عنوان اصلی The tales of pheaderus
شناسه افزوده	:	اسمارت، کریستوفر، smart, chrhstopher
شناسه افزوده	:	عزیدفتری، بهروز، ۱۳۱۷ - مترجم.
شناسه افزوده	:	Azabdaftari, Behrooz
شماره کتاب‌شناسی ملی	:	۳۸۷۴۵۸۳



ناشر: سمیر

عنوان: افسانه‌های قدروس

مترجمان انجلیس:

هانری توماس رایلی - کریستوفر اسمارت

مترجم: دکتر بهروز عزیدفتری

تعداد: ۱۵۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۴

لیتوگرافی: ترنج

چاپ: حیدری

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۰-۲۰۵-۸

تهران، خیابان اردیبهشت، کوچه وحید، پلاک ۱، واحد ۴، تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۶-۶۶۹۶۰۶۰۳

www.sanirpublication.com

۱۵۰۰۰ تومان

فهرست حکایات

۲۷	 کتاب او
۲۷	 مقدمه
۲۷	 ۱. گرگ برده
۲۸	 ۲. قورباغه در تنه پادشاه
۲۹	 ۳. زاغچهٔ احمق و طوس
۳۰	 ۴. سگ و تکهٔ گوشت در عرض رودخانه
۳۰	 ۵. گاو، بز ماده، گوسفند و شتر
۳۱	 ۶. شکایت قورباغه‌ها از خورشید
۳۱	 ۷. روباه و نقاب شوم
۳۱	 ۸. گرگ و درنا*
۳۲	 ۹. گنجشک و خرگوش
۳۲	 ۱۰. گرگ، روباه و میمون
۳۳	 ۱۱. خر و شیر به هنگام شکار
۳۳	 ۱۲. گوزن نر و رودخانه
۳۴	 ۱۳. روباه و کلاغ*
۳۴	 ۱۴. پینه دوز و طبابت
۳۵	 ۱۵. خر و چوپان پیر
۳۵	 ۱۶. گوزن نر، گوسفند و گرگ
۳۶	 ۱۷. گوسفند، سگ و گرگ

۱۸. زن و درد زایمان	۳۶
۱۹. سگِ ماده و توله‌هایش	۳۷
۲۰. سگ‌های گرسنه	۳۷
۲۱. شیرپیر، گراز وحشی، گاو نر و خر*	۳۷
۲۲. مرد و راسو	۳۸
۲۳. سگِ وفادار	۳۸
۲۴. قورباغه و گاوِ بی‌شاخ و دم	۳۹
۲۵. سگ و تساح	۳۹
۲۶. روباه و لک‌لک*	۴۰
۲۷. سگِ گنجه‌رکس	۴۰
۲۸. روباه و نقاب	۴۱
۲۹. به شخرد گرفتن نراز از سوم خر	۴۱
۳۰. قورباغه‌ها در میان دست سواي گاوهاي نر	۴۲
۳۱. زغن و کبوتران	۴۲

کتاب دوم ۴۵

مقدمه ۴۵

۱. شیر، راهزن و مسافر	۴۵
۲. دو زن با سنین متفاوت معشوقهٔ مرد میانسال می‌شوند	۴۵
۳. مرد و سگ	۴۶
۴. عقاب، گربه و خوک وحشی	۴۶
۵. سزار در سفر به چمبرلن	۴۷
۶. عقاب، کلاغ و لاک‌پشت	۴۸
۷. قاطرها و راهزنان	۴۹
۸. گوزن نر و گاوهاي غول پيکر	۵۰
موخره	۵۰

کتاب سوم ۵۳

مقدمه ۵۳

۱. پیرزن و بشکه ۵۳

۲. شترکوهی و چوپان ۵۳

۳. ازوپ و مرد روستائی ۵۴

۴. قصاب و میمون ۵۵

۵. ازوپ و مرد گستاخ ۵۵

۶. مگس و قاطر ۵۶

۷. سگ و گرگ* ۵۶

۸. براد و خواهر ۵۹

۹. سقراط و ملاقات با دوستانش ۵۹

۱۰. شاعر در میان تردید ۶۰

۱۱. خواجه در مواجهه با مرد بد دهن ۶۲

۱۲. خروس و مروارید* ۶۲

۱۳. زنبورهای غسل و زنبورهای زوزنبورنیش دار در مصدر قضاوت ۶۳

۱۴. ازوپ به وقت بازی ۶۳

۱۵. سگ و برّه ۶۴

۱۶. ملخ و جغد ۶۵

۱۷. درختان در پناه امنِ خدایان ۶۶

۱۸. طاوس و الهه جنو ۶۶

۱۹. پاسخ ازوپ به مرد کنجکاو ۶۷

موخره ۶۷

کتاب چهارم ۶۹

مقدمه ۶۹

۱. خر و کتش های سیبی له ۷۰

۷۰	۲. راسو و موش‌ها
۷۱	۳. روباه و انگور*
۷۱	۴. اسب و گراز وحشی
۷۳	۵. ازوپ و تفسیر وی از وصیت‌نامه
۷۴	۶. پیکار موش‌ها و راسوها
۷۵	۷. دفاعیه‌ی شاعر در برابر منتقدان افسانه‌هایش
۷۶	۸. مارِ افعی و سوهان
۷۶	۹. روباه و بز
۷۷	۱۰. در رؤیای خباثتِ مردها
۷۷	۱۱. دزد و جانیِ محابِ ژوپیتِر
۷۸	۱۲. مصائبِ ثروت
۷۸	هرکول و پلوتوس
۷۸	۱۳. صدارتِ شیر
۷۹	۱۴. پرومیتوس
۸۰	۱۵. بزهای ماده و ریش آنها
۸۰	۱۶. ناخدای کشتی و مسافرانِ دریانورد
۸۱	۱۷. عزیمتِ سگ‌ها به شفاعتِ نزد ژوپیتِر
۸۲	۱۸. مرد و مار
۸۲	۱۹. روباه و اژدها
۸۳	۲۰. فدروس
۸۴	۲۱. لاشه‌ی کشتی سیمونیدز، شاعرِ فرانسوی یونانی
۸۴	۲۲. کوه و درد زایمان
۸۵	۲۳. مورچه و مگس*
۸۶	۲۴. سیمونیدز در حمایتِ خدایان
۸۸	موخره

۸۹	کتاب پنجم.....
۸۹	مقدمه.....
۸۹	۱. دم‌تروس و مناندر.....
۹۱	۲. کاروانیان و راهزن.....
۹۱	۳. مرد کله طاس و مگس.....
۹۲	۴. مرد و خر.....
۹۲	۵. داتک و مرد روستائی.....
۹۴	۶. مرد کچل.....
۹۴	۷. سارده فلوت: ن.....
۹۵	۸. نشانهٔ فصاحت.....
۹۶	۹. گاوانر و گوسال.....
۹۶	۱۰. مرد شکارچی و ک.....
۹۷	حکایات جدید که به فدروس نسبت داده شده است.....
۹۷	۱. میمون و روباه.....
۹۷	۲. نویسنده.....
۹۸	۳. مرکوری الههٔ تجارت و دوزن.....
۹۹	۴. پرومیتوس و شاگرد ناقلا.....
۱۰۰	۵. نویسنده.....
۱۰۰	۶. فضای مجازات‌های تارتاروس.....
۱۰۱	۷. نویسنده.....
۱۰۲	۸. ازوپ و مصنف شعر.....
۱۰۳	۹. ماکنوس اخترشناس شهر پومپی و سربازش.....
۱۰۴	۱۰. جنو، ونوس و مرغ.....
۱۰۵	۱۱. پدر خانواده و ازوپ.....
۱۰۵	۱۲. فیلسوف و ویکتور در تمرینات ورزشی.....

۱۰۶	۱۳. خر و چنگ
۱۰۶	۱۴. زن بیوه و سرباز
۱۰۷	۱۵. خواستار پولدار و خواستار تهی دست
۱۰۸	۱۶. ازوپ و معشوقه اش
۱۰۹	۱۷. حمل شدن خروس در میان آشغال به وسیله گربه ها
۱۰۹	۱۸. زایمان خوک و گرگ
۱۱۰	۱۹. غلام فراری و ازوپ
۱۱۱	۲۰. فروخته شدن اسب ارابه مسابقه برای کار در آسیاب
۱۱۱	۲۱. زوس گرسنه
۱۱۲	۲۲. رهگذر ناخ
۱۱۲	۲۳. چوپان و ماده
۱۱۲	۲۴. مار و سوسمار
۱۱۳	۲۵. کلاغ و گوسفند
۱۱۳	۲۶. نوکر و ارباب
۱۱۳	۲۷. خرگوش و شبان
۱۱۴	۲۸. مرد جوان و روسپی درباری
۱۱۴	۲۹. سنگ آبی
۱۱۵	۳۰. پروانه و زنبور نیشدار
۱۱۶	۳۱. پرستو و روباه
۱۱۶	موخره

افسانه‌های منسوب به ازوپ؛ مؤلفان این افسانه‌ها، ناشناخته‌اند: ۱۱۷

۱۱۷	۱. زغن بیمار
۱۱۷	۲. خرگوش‌های خسته از زندگی
۱۱۸	۳. ژوپیترو و روباه
۱۱۸	۴. شیر و موش

۵. مرد و درختان ۱۱۹
۶. موش و قورباغه ۱۱۹
۷. دو خروس و باز ۱۲۰
۸. حلزون و میمون ۱۲۰
۹. موش شهری و موش روستائی* ۱۲۱
۱۰. چاپلوسی خر نزد ارباب ۱۲۱
۱۱. لک لک، کلاغ و مرد روستائی ۱۲۲
۱۲. پرنده ها و پرستو ۱۲۳
۱۳. کبک و روباه ۱۲۴
۱۴. خر، گاو و غوا سیکل و پرنده ها ۱۲۴
۱۵. شیر و چوپان ۱۲۵
۱۶. پشه و گاو نر ۱۲۵
۱۷. اسب و خر ۱۲۶
۱۸. پرنده ها، جانوران وحشی و خفاش ۱۲۶
۱۹. بلبل، باز و شکارچی پرنده* ۱۲۷
۲۰. گرگ، روباه و چوپان ۱۲۷
۲۱. گوسفندها و گرگ ها ۱۲۸
۲۲. میمون و روباه ۱۲۹
۲۳. گرگ، مرد شکارچی و چوپان ۱۲۹
۲۴. مرد راستگو، مرد دروغگو و میمون ها ۱۳۰
۲۵. مرد و شیر* ۱۳۱
۲۶. لک لک، غاز و باز ۱۳۲
۲۷. گوسفند و کلاغ ۱۳۲
۲۹. اسب و خر ۱۳۳
۳۰. شیر پیر و روباه ۱۳۳
۳۱. شتر و کک ۱۳۴

۳۲. بزغاله و گرگ ۱۳۴
۳۳. مرد فقیر و مار ۱۳۵
۳۴. عقاب و زغن ۱۳۵

- افزوده ۱- چگونه بیه زن پارسا تسلی یافت؟ ۱۳۷
- افزوده ۲- شکل منظوم برخی از حکایات فدروس به قلم نیره سعیدی ۱۴۳

حکایاتی که با ستاره کوچک (*) مشخص شده‌اند به صورت منظوم سروده بانوی ادب، نیره سعیدی (میرفخرایی)، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب (۵۲)، ۱۳۳۶ در بخش پایانی کتاب آمده است.

بانوی سعیدی در سال ۱۲۹۹ در تهران به دنیا آمد. از دانشسرای عالی تهران مدرک لیسانس را در رشته‌های ادبیات فرانسه و ادبیات فارسی اخذ کرد. وی از شاعران باذوق و مترجمان چیره‌دست کشور محسوب می‌شود. با ترجمه قصه‌های لافونتن به صورت منظوم جایزه یونسکو را دریافت کرد. ترجمه «شطرنج‌باز» ترجمه «کازانوا» و مجموعه‌ی شعر به نام «ترانه‌ها» را آثار قلمی نیره سعیدی به‌شمار می‌رود. او در ۲۱ مرداد ۱۳۷۰ در پاریس درگذشت.

مقدمه

فدروس فابل‌نوس^۱ منتخباتی از نوشته ادوارد چمپلین^۲

فدروس کیست؟ ز... کینامه شاعر به طوری که از اشعارش مستفاد می‌شود کم و بیش به قرار زیر است:

فدروس حوالی قرن اول، بعد از میلاد مسیح در ماسیدونیا (Macedonia)، احتمالاً در پیدنا (Pydna) به دنیا آمد. زمانی که کودکی بیش نبود به عنوان برده او را به روم آوردند، اما امپراطور وقت اگوستوس (Augustus) او را آزاد کرد. به ظن قوی فدروس با حمایت آگوستوس رسالت تعلیم اصول اخلاق را بر عهده داشت و در زمان وی بود که کتاب فدروس به نگارش راه افتاد. مدهای به راه توطئه‌چینی برخی از فابل‌های این کتاب را در انتقاد از رژیم تعبیر کردند. از او به نزد سیجانوس (Sejanus)، از مباشران دربار، سعایت کردند. فدروس که شاید موضوع را ضمن ارسال کتاب دوم به اطلاع امپراطور برساند.

فدروس سرودن اشعار کتاب سوم را در جریان محاکمه‌اش، شاید همزمان با سقوط سیجانوس از قدرت به پایان برد. در مقدمه همین کتاب فدروس از

۱- این مقاله در مجله مطالعات مربوط به روم (The Journal of Roman Studies) ج. ۹۵، ۲۰۰۵، صص ۹۷-۱۲۳ آمده است. نشریه مذکور توسط انجمن ارتقاء مطالعات رومیایی (Society for the Promotion of Roman Studies) به آدرس زیر (<http://www.jstor/stable/20066819>) چاپ می‌شود.

2- Edward Champlin

یوتیکوس (Eutychus) درخواست نمود از او به نزد امپراطور شفاعت کند. قدروس در سال‌های پایانی عمرش دو کتاب دیگر تألیف کرد: کتاب چهارم را به پارتیکولو (Particula) و کتاب پنجم را به فیلیتوس (Philetus) اهدا کرد. (درباره هویت پارتیکولو چیزی در دست نیست، درباره فیلیتوس گفته شده که او همچون قدروس برده آزاد شده یونانی بود).

ادوارد چمپلین در مورد به وجود آمدن ژانر فابل، بردگی و بندگی را موجب آن می‌داند.^۱ شخص برده اصولاً جرات بیان معنویات خود را نداشت و اگر از سواد برخوردار بود احساس خود را در قالب حکایات من‌درآورده (فابل) و به زبان طعنه بیان می‌کرد تا از معصیت و اذیت در امان بماند. قدروس در یکی از حکایاتش آورده است که وی کوه راهی که اوزوپ باز کرده بود به آزاد راه تبدیل کرده است که زیرا اغلب حکایات اوزوپ با بخت نامیمون قدروس گره خورده است. سیجانوس، گماشته دربار امپراطور، برای قدروس مایه تحقیر و اذیت بود، و قدروس مجبور میشد احوال این مظالم شادمانه و بی‌عدالتی را به زبان فابل روایت کند و شگفتا از بیم جان خود اسم این شخص را در حکایات نمی‌آورد. ساختار حکایات، ادیبانه و به دور از کینه و نفرت است. قدروس در مقدمه کتاب‌هایش گله می‌کند که امپراطور به دلیل کثرت مبالغه در حکایاتش را نمی‌خواند و زبان به شکایت می‌گشاید که مردم او را در زمره شاعران مضرب‌خود به حساب

۱- این عقیده چمپلین را به یاد مکانیسم جبران (Compensation) در روانشناسی می‌اندازد. زمانی که انسان از رسیدن به خواسته خود منع می‌شود عموماً درصدد یافتن راهی برای رفع مطلبه برمی‌آید. در این باره شواهد فراوان موجود است: بعنوان مثال وقتی ترائه در حصار و تحریم محبوس است، نوحه‌سرایی جای آن را می‌گیرد و موسیقی ضرب‌آهنگ، کلمه‌ها و عبارات به ظاهر غم‌انگیز را رسانگی می‌کند: سروده‌های جانسون در قالب آهنگ‌های شاد به طنز می‌انجامد یا آسیب فراوان به باورهای دینی. مثال دیگر، وقتی مادری ناخواسته باردار شده و سعی در سقط جنین کرده است بعد از آنکه نوزاد به دنیا می‌آید بیشتر از دیگر بچه‌ها (برادران و خواهران) از مهر مادری بهره‌مند شده، دردانه مادر می‌شود. مثال دیگر، آنگاه که دولت‌مداران مقسم می‌شوند رفتار آحاد مردم جامعه را مرزبندی کنند، عموماً قوانین موضوعه به سخره گرفته شده، لوژ می‌شوند.

نمی‌آورند.

به باور چمپلین، نقش عمده فابل یاد دادن که آموزه‌های اخلاقی و بازگشت به خویشتن خود است. خصیصه اصلی فابل، نبود صراحت بیان و سخنان عامیانه به صورت تلویحی است.

فابل‌ها ما را به طور آشکار پند نمی‌دهند، آنها بینش را با مزاح مخلوط کرده، حقیقت را از زبان جانوران و با تمسک به صفات فطری آنها برایمان معلوم می‌کنند، و در این راه از جانورانی چون شیر، روباه، خر، کلاغ... و اشخاص معروف و گاهی اشخاص متعارف و ناشناخته چون روستائی، چوپان، رهگذر... بهره می‌گیرد.

به نگارش راورده افسانه‌ها که از دیرباز سینه به سینه نقل می‌شد هاله‌ای از ابهام بر آنها می‌گستراند. در سه به افسانه‌ها را پیرزنان در کنار گهواره‌های کودکان، و روستائیان در گرداگرد آتش اجاق، بازگو می‌کردند. زمانی که این ژانر شفاهی به کتابت درآمد به ایفای نقش ناگزیر گردید. خوانندگان نکته سنج دوست دارند فلکوره‌های ساده را در عمل نشان دهند. نویسندگانی که در حسرت ایام گذشته‌اند از رجعت به عوالم کودکی احساس طرب می‌کنند.

خاستگاه فابل را همگان به اوزوپ نسبت می‌دهند، اما راجع به اوزوپ و زندگی او چیزی نمی‌دانیم. آنچه درباره او گفته شده است پنداری بیش نیست.

این سخن در مورد فدروس نیز صادق است، او نیز می‌تواند ساخته تخیل ما باشد.

آبشخور فابل یا قصه ساده است از طرف شخص ناشناس با یک پیام اخلاقی، یا مضمون پیچیده‌ای با سیمای ساده که از جانب نویسنده در قالب ژانری به زبان کنایه بیان می‌شود.

زمانی که درباره فابل‌های فدروس تأمل می‌کنیم با سه مشکل عمده مواجه می‌شویم.

۱- نخست آنکه، کاتبان در اغلب موارد متن منظوم را دستکاری کرده‌اند، از اینرو

در مورد اصالت کار آقایان تردید وجود دارد.

۲- دوم آنکه، کتاب‌های مانده از فدروس صورتی پراکنده و ناقص دارند. بعنوان مثال، شاعر در مقدمه کتاب اول می‌گوید: «در این کتاب شکایاتی از زبان درختان نقل خواهد شد. اما از آنها خبری نیست».

۳- سوم آنکه، پرسش آزاردهنده‌ای در مورد شخصیت (Personality) سراینده فابل‌ها، فدروس، وجود دارد. بعنوان مثال، فدروس در مقدمه یکی از کتاب‌هایش می‌گوید: «حکایتی از اوزوپ را برای تہذیب روانی خواننده به نظم کشیده است» اما مقدمه کتاب در دسترس نیست.

فدروس فابل نه‌یس، طنزنویس هم هست. در هر یک از این دو نوع ژانر، فابل و طنز، هدف زیبایی از باه خواننده و تعلیم آموزه‌های اخلاقی وی می‌باشد. فرق بنیادین بین آن دو، این است که فابل محدود به زمان نیست، جاودانه و همیشگی است، اما طنز در تقید زمان می‌باشد. مهارت فدروس در این است که خصیصه طنز را در فابل‌های خود ممزوج کند.

چمپلین در مقدمه‌ای که بر کتاب درس نوشته برخی از حکایات را به لحاظ مضمون زیرکانه‌شان ستوده است. بعنوان مثال حکایت ۲ (قورباغه‌ها در طلب پادشاه)، کتاب اول را ملاحظه کنید: قورباغه‌ها در آبگیر آرام و پرطراوت زندگی می‌کنند؛ خوشی زیر دلشان را می‌زند و از ژوپیتتر، خدای عداوتان، می‌خواهند که برایشان پادشاه بفرستد... آنان، ناخشنود از پادشاه اول، پادشاه دیگر طلب می‌کنند و لک‌لک برایشان نازل می‌شود و بقیه ماجرا. و یا حکایت ۵ (گاہ، رانده، گوسفند و شیر) در کتاب اول را در نظر داشته باشید. در حکایت آمده که این چهار جانور با هم

۱- اوج مهارت بیان طنزآلود را در سروده‌های برخی از شاعران معاصر زبان فارسی چون محمد رضا شفیعی کدکنی، عمران صلاحی، محمد زهری و... شاهد هستیم. گفتنی است فهم سخن پراگماتیک مقصود شاعر، ضمیری هم‌سو با شاعر را طلب می‌کند - کسی که آینه روشن دلش قابلیت بازتاباندن پیام شاعر را در خود دارد.

گوزنی را شکار می‌کنند، اما با قضاوتی که شیر می‌کند همه شکار نصیب شیر می‌شود، یعنی حق با کسی است که زور بیشتری دارد. به باور چمپلین، گلی سرسبد مجموعه حکایات فدروس، حکایت ۵ (اوزوپ و تفسیر وصیت‌نامه) در کتاب چهارم می‌باشد. سخن ناگفته این حکایت آن است «یکی مرد میدان به از صد هزار» - یک شخص عاقل بر توده ناآگاه رجحان دارد. فدروس در این حکایت با باریک‌بینی قوانین پیچیده روم را نشان می‌دهد. با خواندن این حکایت به وسع دانش و ظرفیت اندیشی فدروس پی می‌بریم. ظریفی گفته است وقتی پرنده‌ای را می‌بینیم که مثل اردک راه می‌رود، مثل اردک شنا می‌کند، مثل اردک قات قات می‌کند، می‌گویم آن پرنده ابله است. فدروس وکیل دعاوی بود.

چمپلین معتقد است که فدروس برده آزاد شده یونانی نبود، بلکه وی نجیب‌زاده یا اشراف‌زاده رومی بود. نم‌نمندانای که از اوزوپ یونانی حکایاتی را به امانت گرفت، آنها را به نظم کشید و در آنها شرنگ طنز و حلاوت آموزه‌های اخلاقی را درهم آمیخت.

در این مختصر سخن، دو نکته دیگر درباره فدروس گفتنی است: نخست آنکه، علیرغم اشارات فدروس به فرّ و شکوه سلطنت، من آیین پادشاهی را تحقیر می‌کند. حکایت ۳۱ (زغن و کبوتران) در کتاب اول به این نکته مربوط است: زغن با کبوتران میثاق می‌بندد اگر کبوترها او را پادشاه خود کنند. همواره از آنها حمایت خواهد کرد. بر این توافق، پیمان بسته شده: زغن پادشاه می‌شود و آنگاه زغن همه کبوتران را نابود می‌کند. و نکته دیگر همانا مقارنه شخص عاقل و جماعت نادان است. این مضمون در حکایت ۱۴ (مرد پینه دوز و طبابت) در کتاب اول به نوعی آشکار می‌گردد - موفقیت مرد پینه‌دوز در طبابت بر جهالت توده عوام استوار است. حکایت ۲۱ (کشتی شکسته سیمونیدز) در کتاب چهارم نیز به ارزش دانش و دانایی فرد اشاره دارد که همواره از دستبرد راهزنان و یغمای روزگار مصون می‌ماند.

چنانچه اطناب کلام محل خاطر نباشد می‌گوئیم فدروس، شهروند روم، شیفته

طنز هوراس (Horace)، خبره در اصول اخلاق، و مردی با عقاید استوار می‌باشد. او پذیرفته است زندگی شهروندان هر جامعه از شرایط و امکانات نابرابر برخوردار است - زورمندان بی‌وقفه در حق ضعفا ستم روا می‌دارند و ضعفا را در سیطره اهل قدرت گریزی نیست جز آنکه با سرنوشت تلخ کنار بیایند و حتی الامکان از زندگی بهره گیرند. فدروس بر این باور بود که سلطنت در بدترین شکل خود، مظهر شیطان و در بهترین حالت مایه تمسخر می‌باشد. توده مردم عموماً جاهل اند و عموماً به بر خلاف مصالح خود عمل می‌کنند. آنان به سخنان اهل خرد گوش فرا نمی‌دهند، مواعظ آنان را یا نادیده می‌گیرند و یا به سخره برگزار می‌کنند. و بالاخره آنکه، فدروس موبیات خرد را در قالب فابل و گاهی آمیخته با نیش زبان طنز به راهی مطایبه عرضه می‌دارد.

این مترجم نوشته پمپلین را به اختصار و با حذف نکات پیچیده و ناآشنای تاریخی و اسامی اشخاص به صورتی ساده و روان به گونه‌ای که با جوهره فابل‌های فدروس ارتباط چندانی ندارند به نگارش درآورد. خن‌بند علاقه‌مند می‌تواند برای کسب آگاهی از محتوای کامل مقاله چمپلین به آدرس اینترنتی که در پاورقی صفحه اول این نوشته ذکر شده است، مراجعه کند. بنابراین ناگفته پیداست بر برگردانیدن نوشته ادوارد چمپلین صرفاً مواردی انتخاب و به صورت آزاد ترجمه شده است که خواننده را در فهم فابل‌های فدروس و راه جستن به ناگفته‌ها و یا به عبرت‌یابی، ظرایف اندیشه نویسنده اصلی کمک کند.

من مترجم را بیم آن بود و هست که با ترجمه کامل نوشته چمپلین، که بسیار عالمانه است، در ابتدای کار روایت حکایات فدروس بر اشتیاق فرد عادی و غیر حرفه‌ای سایه اکراه و دلزدگی بیفکنم که این خود در عمل، نوعی ستمکاری در حق وی می‌بود.